

1399/12/13

موضوع: چه کنیم تا گناهی از ما سر نزنند!؟

درس اخلاق

فهرست مطالب این برنامه:

مقدمه ای لازم و ضروری برای رسیدن به مسیر الی الله!

چه کنیم تا گناهی از ما سر نزنند!؟

الف) باید حقیقت وضعی گناه را بشناسیم

بهترین کتاب در زمینه شناخت گناهان!

ب) خداوند و اهلبیت (علیهم السلام) را شاهد اعمال خود بدانیم

فرازی از «دعای کمیل» که کمتر مورد توجه قرار گرفته است!

کتابی که به دستور امام رایگان چاپ شد و در اختیار طلاب قرار گرفت!

این آیه می‌تواند برای ما درس بزرگی باشد!

مراد از «الْمُؤْمِنُونَ» در آیه 105 سوره توبه چه کسانی است؟

از «وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی» غفلت نکنید!!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله
والصلاة على محمد رسول الله وعلى آله آل الله لاسيما على مولانا بقية الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء
الله إلى يوم لقاء الله. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

سلام عليكم ورحمة الله و بركاته. خدا را بر تمام نعمت‌هایش بویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و سپاس
دیگر که توفیقمان داد امروز هم در جمع شما عزیزان و بزرگواران حضور پیدا کنیم و با یکدیگر سخن
بگوییم.

بحثی که در گذشته در خدمت عزیزان مان داشتیم، موضوع بحث‌مان راه رسیدن به مقامات عالیه بود و به
آن مرحله‌ای که خدای عالم برای آن، ما را خلق کرده است. یعنی رسیدن به مرتبه خداگونه بودن؛

(صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ)

رنگ خدایی (بپذیرید! رنگ ایمان و توحید و اسلام) و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟! و ما
تنها او را عبادت می‌کنیم.

سوره بقره (2): آیه 138

یعنی رسیدن به یک مرحله‌ای که ملائکه هم از رسیدن به آن مرحله عاجز هستند.

مقدمه ای لازم و ضروری برای رسیدن به مسیر الی الله!

برای رسیدن به آن مراحل، یک مقدماتی است که آن مقدمات اگر در ما مهیا نشود امکان رسیدن به آن
مراحل نیست. لذا ما باید دقت کنیم که آن مقدمات را در خودمان فراهم کنیم.

عرض شد یکی از اساسی‌ترین مقدماتش این است که ما در مسیر الی الله و در مسیر حرکت به طرف کمالات، عمل و یا فکری که مخالف نظر خدای عالم و اهل بیت (علیهم السلام) که مظهر اتم اسماء الله هستند، از ما سر نزنند. این در حقیقت اولین قدم است که ما باید برداریم.

مادامی که این قدم را بر نداشتیم، نه اعمال ما، اعمال است و نه عبادت ما، عبادت است، و نه حرکت ما به طرف الله، حرکت است؛ چون ما نماز و عبادتی انجام می‌دهیم از آن طرف هم خدای ناکرده گناهی از ما سر می‌زند، یک غیبتی از ما سر می‌زند، یک دروغی از ما سر می‌زند.

یک غیبت، چهل شبانه روز اعمال ما را حبس می‌کند و نمی‌گذارد به بالا برسد؛ یک غیبت چهل شبانه روز دعاها را مانع می‌شود، تا به آن بالا برسد.

در دعای کمیل می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْسِبُ الدُّعَاءَ»

مصباح المتهدّد و سلاح المتعبّد؛ نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق/ مصحح: ندارد،

ناشر: مؤسسه فقه الشیعة، ج 2، ص 844

وقتی با این گناه دعای ما به جایی نمی‌رسد، اعمال ما مورد قبول خدا نمی‌شود، می‌خواهیم چه کار کنیم؟ این اعمال است که باید مثل بال توسط آن پرواز کنیم، این نماز است که معراج ما است.

«الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ»

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)؛ نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد

تقی، ناشر: دار إحياء التراث العربي، محقق/ مصحح: جمعی از محققان، ج 79، ص 303

وقتی گناه مانع می‌شود که ما به طرف ملکوت پرواز کنیم، دیگر مسئله خیلی واضح و روشن است. لذا ما باید ابتدا و قدم اول تمام تلاش‌مان را به کار ببریم تا گناهی از ما سر نزنند؛ در مرحله بعدی مکروهی از ما سر نزنند، مرحله سوم مباحی از ما سر نزنند.

چه کنیم تا گناهی از ما سر نزند!؟

این اولین قدم عبودیت است، مادامی که ما این قدم را برنداشتیم هرچه ما حرکت کنیم، چه بسا یک قدم جلو می‌رویم چندین قدم به عقب بر می‌گردیم.

الف) باید حقیقت وضعی گناه را بشناسیم

برای این که ما این قدم را برداریم، چه کار باید بکنیم؟ اشاره شد بر این که در این قدم که گناه و معصیتی از ما سر نزند، اولاً باید برویم ببینیم گناهان چه هستند؟

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنَا عِزْفَانَ الْحُزْمَةِ»

ما چه بسا یک کارهای انجام می‌دهیم، تصور می‌کنیم کار خوب انجام می‌دهیم ولی در واقع گناه و معصیت است.

(وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يَحْسِنُونَ صُنْعًا)

با این حال، می‌پندارند کار نیک انجام می‌دهند!

سوره کهف (18): آیه 104

این جا هم عزیزان دقت کنند، کار بدی که از ما سر می‌زند، یک دفعه بحث کیفر و عذاب مطرح است، که اگر ما یک عملی را انجام بدهیم و ندانیم گناه است، بحث سر این است که آیا فردای قیامت خدای عالم ما را به آن عذاب می‌کند و یا نمی‌کند؟

این یک بحث مفصل فقهی است که آیا عذاب خدای عالم مترتب بر علم است و یا مرتب بر واقع است؟ این که ما نمی‌دانستیم فلان عمل گناه است و مرتکب شدیم، آیا ما جاهل مطلق بودیم یا نه؟ جاهل مقصر بودیم؟ جاهل قاصر بودیم؟ اینها فروعاً مفصلی در فقه دارد.

گاهی که ما نمی‌دانیم و مرتکب می‌شویم، آیا کیفر دارد و یا کیفر ندارد؟ بعضی از آقایان می‌گویند اگر این آقای که گناه کرده قاصر بوده، مستضعف بوده، حکم به او نرسیده، عذابی هم نمی‌بیند.

بعضی‌ها می‌گویند نه، اگر چنانچه برای معرفت این گناه راهی داشته و خودش برای شناختن گناه سهل‌انگاری کرده، این عذاب دارد. اینها بحث‌های مفصل فقهی است که ما نمی‌خواهیم وارد بشویم.

ولی در رسیدن به کمالات این مسائل مطرح نیست. شما یک ظرفی را می‌بینید که پر از شراب است ولی نمی‌دانید شراب است، تصور می‌کنید مثلاً شربت است و می‌خورید، در این‌جا همه فقهاء فتوا داده‌اند که چون در موضوعات خارجی، علم مکلف شرط است، چون نمی‌دانست این شراب است هیچ عقوبتی برای ایشان مترتب نیست.

یعنی قاضی نمی‌تواند بگوید شما شراب خوردی باید فلان تعداد شلاق بخوری، این می‌گوید من نمی‌دانستم؛ ولی آیا این فرد که شراب خورد، احکام وضعیه‌اش هم برداشته شد؟ و یا نه احکام وضعیه آن برقرار است؟

یعنی این آقا که شراب خورد، درست است که او را شلاق نمی‌زنند؛ ولی مست هم نشد؟ یا نه، مست شد؟ عزیزان، گناه اینچنین است. از ما گناه و معصیتی اگر سر می‌زند چه بدانیم و چه ندانیم، اثری وضعی خودش را در ما می‌گذارد. مثل همین شراب خوردنی که ما نمی‌دانستیم.

بدانیم و یا ندانیم، این شراب اثر وضعی دارد و آن مست کردن است. گناه و معصیت هم اینچنین است؛ یک اثر حکمی دارد آن جدا است، ولی اثر وضعی آن برای ما است.

چند بار هم عرض کردیم مرحوم «ملا حسینقلی همدانی» که از عرفای بزرگ و از اولیاء حق بود، یک کسی در نزدش غیبت کرد، گفت: "خدا خانه‌ات را ویران کند، چهل شبانه روز خانه ما و خودت را ویران کردی!" یعنی تا چهل شبانه روز مانع اجابت دعای ما شدی!

این آقا بداند و یا نداند، غیبت اثر وضعی خودش را در زندگی آدم می‌گذارد. سنت الهی بر این مستقر شده که کسی غیبت کند، این احکام وضعیه را هم دارد. این که احکام تکلیفی چه است و چه نیست، آن یک بحث جدایی است. این هم یک نکته‌ای است که عزیزان کاملاً دقت کنند.

بهترین کتاب در زمینه شناخت گناهان!

همان طوری که قبلاً هم عرض کردیم، بهترین کتاب برای شناخت گناهان، «معراج السعادة» اثر «مرحوم نراقی» است؛ یعنی بنده کتابی بهتر از این، در زمینه شناختن گناه و آشنایی با معاصی و رذایل اخلاقی ندیدم. شاید هم باشد و آقایان متأخرین چیزهای نوشته باشند، ما خبر نداریم.

کتاب «جامع السعادة» عربی است نوشته پدر ایشان است و کتاب «معراج السعادة» فارسی است و ترجمه «جامع السعادة» است با یک سری اضافاتی که دارد.

عزیزان «معراج السعادة» که البته فایل «پی دی اف» آن هم در اینترنت است را دانلود کنند و در گوشی موبایل‌شان داشته باشند، و قسم بخورند هر روز ده صفحه از این کتاب را مطالعه کنند. وقتی که دو سه ماه گذشت، ببینند چقدر در روحیه‌شان اثر می‌گذارد!

عرض کردم مرحوم «نراقی» اول گناه را می‌آورد، آیات و روایات را می‌آورد و اینکه چه اثری وضعی و چه اثر تکلیفی دارد، بعدش هم ایشان می‌آید راه ترک گناه را هم آموزش می‌دهد. این خیلی مهم است.

یعنی فقط این نیست که بیاید اشکال کار را ببیند! ایشان هم اشکال را می‌گوید و هم راهکار برون رفت از این اشکال را تذکر می‌دهد.

بعضی‌ها هم یک مقداری عمو تنبل تشریف دارند، حوصله ندارند «معراج السعادة» را مطالعه کنند، کتاب «مقامات العلیه» که تلخیص این کتاب در یک کتابچه جیبی است، این تلخیص را مرحوم «محدث قمی» انجام داده، ایشان می‌گویند من در همه مسافرت‌ها این کتاب را همراهم داشتم.

این کتاب را نه یک بار، بلکه بیست بار، سی بار، چهل بار مطالعه کنند، خیلی کتاب خوبی برای آگاهی از گناهان است.

(ب) خداوند و اهل بیت (علیهم السلام) را شاهد اعمال خود بدانیم

نکته و قدم دوم که اگر ما بخواهیم از ما گناه سر نزند، این است که خدای عالم و اهل بیت و ائمه (علیهم السلام) را ناظر و شاهد خودمان بدانیم.

همان گونه که به تعبیر حضرت «امام خمینی» (رضوان الله تعالی علیه) یک بچه چهار پنج ساله اگر کنار ما باشد، و ما را ببیند، ما کار خلاف ادب در آنجا انجام نمی‌دهیم.

اگر ما برای نظارت و آگاهی خدای عالم به همین اندازه علم داشته باشیم کفایت می‌کند. خدای عالم در سوره علق آیه 14 می‌فرماید:

(أَلَمْ يَغْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى)

آیا او ندانست که خداوند (همه اعمالش را) می‌بیند؟!

سوره علق (96): آیه 14

آیا انسان نمی‌داند که خدا او را می‌بیند؟ ببینید دیگر در اینجا تقریباً لحن کنایه است، لحن توقع است، می‌گوید ما توقع مان از انسان این است که بداند و یقین کند. «یعلم» علم است، ظن و گمان نیست. یعنی آیا انسان به این یقین نرسیده است که خدای عالم او را می‌بیند؟

در سوره ق آیه 16 می‌فرماید:

(وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ)

ما از شاهرگ [او] به او نزدیک‌تریم.

سوره ق (50): آیه 16

ما از رگ گردن به این بشر نزدیکتر هستیم. آیا خدای عالم از این بهتر و از این واضحتر با ما سخن بگوید؟ آیا چیزی به ما از رگ گردن نزدیکتر است؟ حالا این که چرا خدای عالم در این جا کلمه «حبل الوريد» را آورده است، این یک بحث تفسیری دارد که من نمی‌خواهم وارد بشوم.

یا در سوره نساء می‌فرماید:

(وَ اللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّنُونَ)

آنچه را در این جلسات می‌گویند، خداوند می‌نویسد.

سوره نساء (4): آیه 81

و آنچه شما در دل شب و حتی در تاریکی انجام می‌دهید و کسی شما را نمی‌بیند، خدا می‌بیند و تمام کارهای شما را هم می‌نویسد.

عزیزان آیات را خوب دقت کنند. در سوره زخرف آیه 80 می‌فرماید:

(أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَ نَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَ رُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ)

آیا آنان می‌پندارند که ما اسرار نهانی و سخنان درگوشی آنان را نمی‌شنویم؟ آری، رسولان (و فرشتگان) ما نزد آنها هستند و می‌نویسند!

سوره زخرف (43): آیه 80

می‌فرماید آیا این‌ها بر این باور هستند که ما اسرار و مطالب درگوشی اینها را نمی‌شنویم؟ خیلی آیه تکان دهنده است؛ یعنی آدم اگر چشمش را ببندد و ده دقیقه روی همین آیه تمرکز و فکر کند، **(أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَ نَجْوَاهُمْ...)**؛ آیا ما نمی‌شنویم آنچه که در باطن دارند و آنچه که زیر گوش انجام می‌دهند؟ **(بَلَىٰ وَ رُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ)**؛ بله، نه تنها ما می‌شنویم، ملائکه و مأمورین ما هم هر آنچه که سری و نجواها است همه را می‌نویسند.

(مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ)

انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر اینکه همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است!

سوره ق (50): آیه 18

می‌فرماید: هیچ لفظی از این‌ها سر نمی‌زند، جز این‌که مأمورین ما تمام حرف‌های این‌ها را می‌شنوند و این‌ها را هم می‌بینند.

فرازی از «دعای کمیل» که کمتر مورد توجه قرار گرفته است!

یک جمله‌ای هم در «دعای کمیل» است. نمی‌دانم عزیزان روی این فراز دعای کمیل تا به حال دقتی داشته‌اند و یا دقتی نداشته‌اند.

خداوند «شہید مطہری» را بیامرزد، ایشان خیلی روی این فراز تکیه داشت، که از خدا می‌خواهم:

«أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلِّ جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ وَ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَ كُلِّ قَبِيحٍ أَسْرَزْتُهُ
وَ كُلِّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ»

بعد دارد:

«كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ»

خدایا تمام گناہانم را امشب ببخش، چه آن‌هایی که کتمان کردم و چه آن‌هایی که علنی انجام دادم.

«أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ»

گناہانی که مخفیانه انجام دادم، یا علنی انجام دادم.

بعد این تعبیر را دارد:

«وَكُلِّ سَيِّئَةٍ أَمَرَتْ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ»

خدایا بخش تمام گناهانی که دستور دادی کرام الکاتبین آنها را ثبت کنند.

«الَّذِينَ وَكَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي»

خدایا آن کرام الکاتبینی که مأموریت دادی هر آنچه که از من سر می‌زند را حفظ کنند.

«وَجَعَلْتَهُمْ شُهَدَاءَ عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي»

مصباح المتهدج و سلاح المتعبّد؛ نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق/ مصحح: ندارد،

ناشر: مؤسسه فقه الشیعه، ج2، ص 849

می‌فرماید این کرام الکاتبین را بر من شاهد قرار دادی، هر آنچه که از من سر می‌زند، از اعمال قلبیه و قلبیه، این‌ها شاهد این اعمال من هستند. و همچنین جوارح من، دست من، پای من، گوش من، چشم من، زبان من، همه شاهد هستند و فردای قیامت اگر انکار کنیم، همین جوارح ما شهادت می‌دهند. و وقتی اعتراض کنیم:

«وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ

تَرْجَعُونَ»

آنها به پوستهای تنشان می‌گویند: «چرا بر ضد ما گواهی دادید؟!» آنها جواب می‌دهند: «همان خدایی که هر موجودی را به نطق درآورده ما را گویا ساخته ؛ و او شما را نخستین بار آفرید، و بازگشتتان بسوی اوست!»

سوره فصلت (41): آیه 21

من می‌گویم به نامحرم نگاه نکردم؛ ولی چشمم شهادت می‌دهد و می‌گوید من نگاه کردم. من می‌گویم سیلی به صورت یتیم نزد، عصبانی سر زن و بچه نشدم؛ ولی زبان و دست می‌گوید من انجام دادم.

اعتراض هم اگر بکنیم: (لَمْ شَهَدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ)؛ عزیزان این‌ها را تمام داشته باشید و قشنگ دقت کنید. خدایا تمام گناہانی که مأمورین الهی این‌ها را ثبت و ضبط می‌کنند.

«وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ»

غیر از این‌که این مأمورین الهی ثبت و ضبط می‌کنند، خدایا خودت هم شاهد و ناظر بر این اعمال من هستی!

مصباح المتہجد و سلاح المتعبّد؛ نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق/ مصحح: ندارد،
ناشر: مؤسسه فقه الشیعة، ج2، ص 849

یعنی ما فوق این ملائکہ‌ای که:

(مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ)

انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر اینکه همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است!

سوره ق (50): آیه 18

غیر از این‌ها: «وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ»؛ فراتر از این ملائکہ، پروردگارا تو مراقب من هستی.

«وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ»

اگر چیزی هم از ملائکہ‌ای که مأمور به ثبت و ضبط اعمال من هستند مخفی بماند، خدایا تو شاهد آن هستی!

مصباح المتہجد و سلاح المتعبّد؛ نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق/ مصحح: ندارد،
ناشر: مؤسسه فقه الشیعة، ج2، ص 849

من از عزیزان تقاضا می‌کنم آنهایی که اهل دعا و تضرع و مناجات هستند، این مناجات را حتماً بخوانند.
مناجات یکی از ویژگی‌های هر مؤمن است مخصوصاً طلبه!

در یک جلسه دیگر هم عرض کردم نامه‌ای که حضرت ولی عصر (اروحنا لتراب مقدمه الفداء) به شیخ مفید می‌نویسد، یکی از فقراتش این است که: «شیخ مفید!» ما شاهد مناجات شبانه تو هم هستیم."

یعنی حضرت ولی عصر، روی دو نکته از اعمال «شیخ مفید» دست می‌گذارد. یکی دفاع از کیان ولایت، دوم هم مناجات شبانه «شیخ مفید». که اگر آن مناجات شبانه نباشد ما روز در کارهایمان قطعاً موفق نخواهیم بود.

آن مناجات شبانه است که به ما نیرو، قدرت و قوت می‌دهد که روز در وظایف خودمان کوشا باشیم و در مسؤلیت‌های خودمان احساس تکلیف کنیم. لذا یکی از چیزهای که ما خیلی باید دقت کنیم این است که خدای عالم شاهد ما است.

ملائکه موکل الهی شاهد ما هستند و آنچه که از نظر ملائکه مخفی می‌ماند، خدای عالم او را هم شاهد است:

«وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ»

در این جا فرصت نیست که ما اینها را خیلی باز کنیم که چرا از ملائکه مخفی می‌شود و چه اعمالی است؟ بگو مگویی که بین «رقیب» و «عتید» پیش می‌آید؛ «عتید» می‌خواهد که گناه ما را بنویسد، «رقیب» که مسؤل اعمال صالح ما است از او خواهش و التماس می‌کند ننویس، شاید ایشان توبه کرد!

در بعضی از روایات داریم، تا هفت ساعت این مأمور گناهان ما، گناه ما را نمی‌نویسد، شاید از ما توبه سر بزند، بعضی‌ها دارند ما اگر در طول روز گناه انجام می‌دهیم، این «عتید» مأمور سمت چپ، تا غروب گناه ما را نمی‌نویسد، شاید ما توبه کنیم.

از شب تا صبح اگر گناه می‌کنیم نمی‌نویسد، تا طلوع آفتاب، شاید ما توبه کنیم. شاید در این بگو مگوها یک چیزی از چشم ملائکه مخفی بماند، او را هم خدای عالم شاهد و ناظر است و دوستان عزیز! فردای قیامت در محکمه عدل الهی ما باید پاسخ بدهیم.

به تعبیر یکی از بزرگان که می‌گوید: " اگر یک صبح تا غروب از ما فیلم برداری کنند، بیایند از تلویزیون پخش کنند و ما خجالت نکشیم آدم خوبی هستیم"

یک شبانه روز و یا یک صبح تا غروب، از ما فیلم برداری کنند؛ فیلم بردار، آن چیزی که از نیت ما می‌گذرد که هیچ، فقط از اعمال ظاهری ما فیلم برداری کند و بیایند همین را از تلویزیون پخش کنند، آیا ما احساس خوشی داریم و یا احساس ناخوشی داریم؟ نکته خیلی ظریفی است؛ یک خود آزمایی خوبی است.

این یک نکته بود که قبلا هم اشاره داشتیم، امروز یک مقداری مفصل‌تر به آن پرداختیم. بازهم مطالب خیلی زیادی در این‌جا است، ان شاء الله در مناسبت دیگری عرض خواهم کرد.

همین کتاب «معراج السعاده» و یا کتاب «سیر و سلوک مرحوم سید بحر العلوم» یا کتاب «لب اللباب» اثر «مرحوم آقای طباطبایی» (رضوان الله تعالی علیه) صاحب تفسیر «المیزان»؛ این کتابها یک سری مطالب ظریفی دارند.

کتابی که به دستور امام رایگان چاپ شد و در اختیار طلاب قرار گرفت!

همین‌طور کتاب «المراقبات» اثر مرحوم «میرزا جواد آقا ملکی» که استاد اخلاق حضرت «امام رضوان الله تعالی علیه» و دیگر بزرگان بوده‌اند. در مورد ماه رجب و شعبان و رمضان، یک سری اعمالی را ایشان آورده است و یک راهکارهایی برای حرکت به سوی الله آورده است.

این کتاب هم کتاب قیمتی است؛ یعنی گنج‌ها در داخل این کتاب است. حضرت «امام رضوان الله تعالی علیه» اجازه نداد حتی رساله عملیه خودشان را رایگان از وجوهات شرعیه چاپ کنند و به مردم بدهند.

در شرح حال ایشان آمده در عمرشان امام هیچ کتابی را اجازه نداد از وجوه شرعی چاپ کنند و به مردم بدهند. ولی ایشان امر فرمودند این کتاب «المراقبات میرزا جواد آقا» را چاپ کنند و رایگان در اختیار طلاب قرار بدهند!!

دوستان دیگر از این جا پی توان بردن که در دریا چه طوفان است! قدر این کتاب را هم دوستان بدانند و باز من تقاضا می‌کنم هر روز یک هفت، هشت صفحه از این کتاب را مطالعه کنند.

نمی‌دانم این کتاب ترجمه شده و یا نشده ولی من معتقدم طلبه‌ای که دو سال درس می‌خواند، دیگر مطالعه کردن کتاب فارسی را بر خودش حرام بکند و کتاب‌ها را عربی مطالعه کند.

شاید در ابتدا بعضی از لغات را متوجه نشود و مشکل داشته باشد ولی بعد از پنج شش ماه تا یک سال دو سال، دیگر با زبان عربی آشنا می‌شود. زیرا مطالب عربی زبان قرآن، زبان رسول الله و زبان اهل بیت (صلوات الله علیهم اجمعین) است و تأثیر گذاری خاصی دارد که زبان فارسی این تأثیر گذاری ندارد.

نکته دیگر هم این است که ما باید عربی را با دقت مطالعه می‌کنیم و بعضی جاها گیر می‌کنیم به لغت نامه مراجعه می‌کنیم؛ چون با کندی پیش می‌رویم در ذهن مان بهتر می‌ماند.

فارسی را ما به سرعت مطالعه می‌کنیم، و رد می‌شویم و در ذهن ما خیلی زیاد نمی‌ماند؛ همان طور که با سرعت مطالعه می‌کنیم با سرعت هم از ذهن مان پاک می‌شود و می‌رود. این یک نکته بود.

این آیه می‌تواند برای ما درس بزرگی باشد!

نکته‌ی دیگر را هم عزیزان دقت کنند، در سوره توبه آیه 105 خیلی نکته ظریفی است که اگر ما در رابطه با این آیه، شاید دهها جلسه صحبت کنیم باز هم کم صحبت شده است.

این آیه می‌تواند برای ما درس باشد. برای ترک گناهان، ترک معاصی و ترک هر فکری که خلاف رضای خدا و رسول اکرم و ائمه است. خدای عالم در اینجا می‌فرماید:

(وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ)

بگو: «عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند!»

سوره توبه (9): 105

ای بندگان! هر کاری خواستید بکنید، گناه بکنید، عبادت بکنید، اطاعت بکنید، معصیت بکنید؛ ولی این را بدانید خدای عالم شما را می‌بیند، از اعمال شما آگاه است، پیغمبر هم اعمال شما را می‌بیند، مؤمنون هم اعمال شما را می‌بیند.

در این جا کلمه «یری» یکبار آمده است «يَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ، يَرَى وَرَسُولُهُ عَمَلَكُمْ يَرَى وَالْمُؤْمِنُونَ عَمَلَكُمْ»؛ اگر رؤیت خدا با رؤیت رسول و المؤمنون تفاوت داشت باید کلمه «یری» تکرار می‌شد. این یک قاعده کلی در زبان عربی است.

اگر یک جمله‌ای می‌آید و خبرهای متعددی برای آن جمله مترتب می‌شود، آن مبتدا و آن حکم در تمام خبرها یکسان سریان و جریان دارد. مثل آیه ولایت:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)

سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همانها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند.

سوره مائده (5): آیه 55

ولی شما خدا است، نگفته «و ولیکم رسوله»، یک کلمه «ولی» آمده یک مبتدا و یک موضوع، سه تا هم محمول دارد؛ ما در رابطه با «الله» ولایت را هر معنا بکنیم، در «رسول» و «مؤمنون» هم، همان را خواهیم گفت.

اگر «ولی» در خدا معنایش با «ولی» در رسول تفاوت داشت، و نیز این «یری» در «الله» و «رسول» تفاوت داشت باید تکرار می‌شد.

«فَسِيرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ، يَرَى وَرَسُولُهُ وَيَرَى الْمُؤْمِنُونَ» مثل آیهی اُذُن که خدای عالم می‌فرماید:

﴿قُلْ أَذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾

بگو: خوش‌باور بودن او به نفع شماست! (ولی بدانید) او به خدا ایمان دارد؛ و (تنها) مؤمنان را تصدیق می‌کند.

سوره توبه (9): آیه 61

کلمه «يُؤْمِنُ» تکرار شد، چرا تکرار شد؟ چون «يُؤْمِنُ» نسبت به خدا ایمان واقعی است، ولی «يُؤْمِنُ» نسبت به مؤمنین ظاهری است. لذا هم کلمه «يُؤْمِنُ» تکرار شد و هم «مفعول به» آن عوض شد.

«يُؤْمِنُ بِاللَّهِ» با باء حرف جر مفعول گرفت. «وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ» با لام حرف جر مفعول گرفت. این مشخص است که «يُؤْمِنُ» در خدا و مؤمنین باهم تفاوت دارد. در اینجا کلمه «یری» در «فَسِيرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» تکرار نشده است. اگر تفاوت داشت تکرار می‌شد.

بله در این که رؤیت خدای عالم، علم خدا به اعمال ما، عملش، علم دائمی است ولی علم رسول اکرم و ائمه (علیهم السلام) علم اعطائی است، بحثی نیست؛ یعنی خدا به این‌ها این قدرت را داده تا اعمال ما را ببینند و بر اعمال ما شاهد و ناظر باشند. این یک نکته در این آیه است.

مراد از «الْمُؤْمِنُونَ» در آیه 105 سوره توبه چه کسانی است؟

نکته‌ای دیگر که مراد از «المؤمنون» چه کسی است؟ ما در آیه ولایت وقتی می‌گوییم: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)؛ ما گفتیم علمای اهل سنت ادعای اجماع دارند که مراد از (وَالَّذِينَ آمَنُوا)؛ امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بوده که انگشتی را در حال رکوع به سائل داد و خدای عالم تکریماً این آیه را نازل کرد.

بزرگان اهل سنت مثل «طبری» در «تفسیر طبری» جلد 3 صفحه 298 و «تفسیر ابن ابی حاتم» جلد 4 صفحه 1162 این نکته را اشاره می کنند. و همچنین «تفسیر روح المعانی» اثر «آلوسی» جلد 6 صفحه 167 می گوید:

«غالب الأخباریین علی أنها نزلت فی علی کرم الله تعالی وجهه»

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی؛ اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: 1270 هـ دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج 6، ص 167

در 19 صفحه بعد در 186 می گوید:

«والآية عند معظم المحدثين نزلت فی علی کرم الله تعالی وجهه»

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی؛ اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: 1270 هـ دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج 6، ص 186

در اینجا هم مراد از «مؤمنون»، یعنی آیا خود افراد عادی هستند و همین مسلمانها می بینند؟ به تعبیر امام (علیه السلام) مسلمانها پشت گوش شان را هم که نمی بینند.

پس مراد از «مؤمنون» که اعمال شما را مثل خدا و پیغمبر می بینند، یک افراد دیگری هستند. من این روایت را جستجو کنم تا دوستان داشته باشند.

روایت از «ابو بصیر» و او از امام صادق (سلام الله علیه) نقل می کند:

«إِنَّ أَبَا الْخَطَّابِ كَانَ يَقُولُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ تَغَرَّضَ عَلَيْهِ أَعْمَالُ أُمَّتِهِ كُلِّ خَمِيسٍ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لَيْسَ هَكَذَا»

«ابو الخطاب» گفت پیغمبر هر پنج شنبه اعمال شما را می‌بیند، امام صادق (سلام الله علیه) فرمود این درست نیست.

«وَلَكِنْ رَسُولُ اللَّهِ تَعَرَّضَ عَلَيْهِ أَعْمَالُ أُمَّتِهِ كُلِّ صَبَاحٍ أَبْرَارِهَا وَفُجَّارِهَا»

هر صبح و هر آن، کارهای خوب و بد شما عرضه به رسول اکرم می‌شود.

«فَاخْذَرُوا»

بترسید!

بعد حضرت به آیه شریفه اشاره می‌کند:

«وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ- وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ»

بعد دارد که:

«وَ سَكَتَ»

امام صادق ساکت ماند

«قَالَ أَبُو بَصِيرٍ إِنَّمَا عَنَى الْأَيْمَةَ (عليهم السلام)»

خدای عالم مراد از «مؤمنون» را ائمه قصد کرده است.

معانی الأخبار؛ ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: دفتر انتشارات

اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص 392

یعنی در اینجا آقا امام صادق (سلام الله علیه) نمی‌گوید بلکه یک شاگرد برجسته او «ابو بصیر اسدی» که بنا

به نقلی از اصحاب اجماع است، این را می‌گوید.

این مطلب در کتاب «معانی الاخبار» اثر «شیخ صدوق» و کتاب «وسائل الشیعه» اثر «شیخ حر عاملی» نقل شده است.

روایت دوم را عزیزان دقت کنند.

«حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنِ عَبْدِ
الْحَمِيدِ الطَّائِبِيِّ عَنِ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبِ الْمِثْمِيِّ»

روایت هم کاملاً صحیح است می‌گوید:

«قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ
الْمُؤْمِنُونَ»

در رابطه با این آیه سوال کردم، «الله» و «رسول» روشن است؛ «مؤمنون» چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود:

«قَالَ هُمُ الْأَيُّمَةُ»

مؤمنانی که طبق آیه اعمال شما را می‌بینند، ائمه (علیهم السلام) هستند.

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم؛ نویسنده: صفار، محمد بن حسن، مصحح:

کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، ناشر: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ج 1، ص 428، 5 باب

عرض الأعمال على الأئمة الأحياء و الأموات، ح 11

باز مرحوم «صفار» نقل می‌کند:

«قُلِ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ قَالَ هُمُ الْأَيُّمَةُ»

مراد از مؤمنون ائمه (علیهم السلام) هستند.

«تُعْرَضُ عَلَيْهِمْ أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ يَوْمٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

هر روز اعمال شما، تا قیام قیامت بر ائمه (علیهم السلام) عرضه می‌شود.

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم؛ نویسنده: صفار، محمد بن حسن، مصحح:

کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، ناشر: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ج 1، ص 427، 5 باب

عرض الأعمال على الأئمة الأحياء و الأموات، ح 4

بینید چقدر واضح و روشن است. روایت بعدی را «مرحوم کلینی» از «عبدالله بن ابان» نقل می‌کند که نزد

آقا امام رضا (سلام الله علیه) یک جایگاه خوبی داشته است.

«وَ كَانَ مَكِينًا عِنْدَ الرَّضَا»

ایشان می‌گوید:

«قُلْتُ لِلرَّضَا (عليه السلام) ادْعُ اللَّهَ لِي وَ لِأَهْلِ بَيْتِي»

خدمت امام رضا عرض کردم برای خودم و خانواده‌ام دعا کنید.

حضرت فرمود:

«أَوْ لَسْتُ أَفْعَلُ»

آیا من دعا نمی‌کنم

بعد حضرت قسم خوردند و فرمودند:

«وَ اللَّهُ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ»

به خدا سوگند اعمال شما در هر شب و روز بر ما عرضه می‌شود.

«قَالَ فَاسْتَغْظَمْتُ ذَلِكَ»

راوی می‌گوید این مطلب خیلی برایم سنگین بود

با خودم گفتم چطور می‌شود اعمال ما بر ائمه عرضه بشود!؟

«فَقَالَ لِي أَمَا تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»

حضرت فرمود مگر قرآن نخواندی!

«وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَهُوَ وَ اللَّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)»

به خدا سوگند مراد از «مؤمنون» علی ابن ابی طالب (سلام الله عليه) است.

الكافي (ط- الإسلامية)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، تاریخ وفات مؤلف: 329 ق،

محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الإسلامية، تهران، 1407 ق،

نوبت چاپ: چهارم؛ ج 1، ص 219، ح 4

از آن طرف:

«كل ما فوّض الى رسول الله، وقد فوّض الى علي و ما فوّض الى علي فقد فوّض الينا (سلام الله

عليهم اجمعين)»

این روایات نشان می‌دهد بر این که اعمال ما به اهل بیت (علیهم السلام) عرضه می‌شود.

البته این را هم عزیزان دقت کنند، این که کلمه: «إِنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيَّ» آورده‌اند و عبارت "ما شاهد و آگاه

هستیم" نیاورده‌اند؛ من به ذهنم می‌رسد شاید به این جهت است که برای آن راوی هنوز جایگاه امام حل

نشده بود که امام به تمام اعمال آنها آگاهی دارد و لذا کلمه «تعرض» می‌آورد.

کلمه «تعرض» یعنی ملائکه خدمت‌شان همه چیز را عرضه می‌دارند و حال آنکه با روایات دیگر که شاید ان

شاء الله در جلسه بعدی مفصل ما این‌ها را صحبت می‌کنیم و با شاهد مثال‌های خارجی بیان می‌کنیم،

خواهید دید که ائمه (علیهم السلام) آگاهی مطلق بر تمام اعمال قلبی و قالبیه ما دارند؛ نه با واسطه عرضه

ملائکه الهی!

از «وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی» غفلت نکنید!!

تعبیری «امام راحل رضوان الله تعالى علیه» در کتاب «مصباح الهدایه» دارد می‌فرماید: " علم امام (علیه السلام) به عالم هستی، از علم خود عالم هستی به خودش قوی‌تر و نافذتر است" ببینید خیلی جمله عجیبی است.

من به دوستان توصیه می‌کنم «وصیت نامه سیاسی - الهی امام» را غفلت نکنید. مخصوصاً مقدمه‌ای که در رابطه «حدیث ثقلین» دارد. چندین بار مطالعه کنید و بعضی از واژه‌هایش را مثل حمد و سوره حفظ کنید.

این فرمایش امام در وصیت نامه، تقریباً می‌شود گفت یک ذره‌ای از آنچه که در رابطه با ائمه می‌شود گفت مطرح شده است.

یکی از فرازهایش این است و من این را خدمت عزیزان قرائت کنم که می‌فرماید: " ما مفتخریم که ائمه معصومین (سلام الله علیهم اجمعین) از علی ابن ابی‌طالب گرفته تا منجی بشریت حضرت مهدی صاحب الزمان (علیهم الاف التهیة والسلام) که به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر امور هستند، ائمه ما هستند." این عبارت، خیلی ظریف و روشن است. یا مرحوم «شیخ مفید» یک تعبیر خیلی قشنگ و اتو کشیده‌ای دارد. من از این عبارت مرحوم «شیخ مفید» خیلی لذت می‌برم. می‌فرماید:

«الأئمة من آل محمد علیهم السلام قد كانوا یعرفون ضمائر بعض العباد و یعرفون ما یکون قبل کونه»

ائمه (علیهم السلام) ضمائر بعضی از بندگان را می‌دانند.

البته این که می‌گوید "ضمائر بعضی را می‌دانند" دلیل نیست که بعضی‌ها را نمی‌دانند، بلکه ائمه آن را که اراده می‌کنند می‌دانند.

«و يعرفون ما يكون قبل كونه وإنما أكرمهم الله تعالى به وأعلمهم إياه للطف في طاعتهم و التمسك بإمامتهم»

ائمه ضمائر افراد را می‌شناسند قبل از این‌که فرد به دنیا بیاید و خدای عالم به این‌ها کرامت کرده و این‌ها را آگاه کرده به خاطر لطفی که دارد.

أوائل المقالات؛ نویسنده: الشيخ المفيد، وفات: 413، تحقيق: الشيخ إبراهيم الأنصاري، چاپ: الثانية، 1414 - 1993 م، ناشر: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان، ص 67

این‌ها مسائلی است که ما باید یک مقداری دقت بیشتری روی این مسائل داشته باشیم، و خدای عالم را ناظر حال خودمان بدانیم، ملائکه الهی را ناظر و شاهد خودمان بدانیم و بدانیم که آنچه از ما سر می‌زند این‌ها شاهد و ناظر هستند.

همچنین رسول اکرم (صلی الله علیه واله وسلم) و ائمه هدی (سلام الله علیهم اجمعین) بالاخص مولایمان حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) از تمام اعمال ظاهری و باطنی ما، به اذن الله تبارک و تعالی آگاهی مطلق دارند.

اگر در ما همچین روحیه‌ای زنده شود، قطعاً رفتار روزانه ما تغییر خواهد کرد. البته این هم با تمرین و فکر و دقت ایجاد می‌شود.

حداقل ما قبل از این‌که نمازمان را سه وعده بخوانیم، پنج دقیقه قبل از آن، این نکاتی که من امروز عرض کردم، چشم مان را ببندیم و این دو سه مورد را خوب مرور کنیم و فکر کنیم و دقت کنیم و در خودمان این روحیه را زنده کنیم.

من از همه عزیزان و بزرگواران تشکر می‌کنم خداوند ان شاء الله به همه شما جزای خیر عنایت فرماید. التماس دعا خدا نگهدار.

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»